زن شرور دو بار زندگی می‌کند

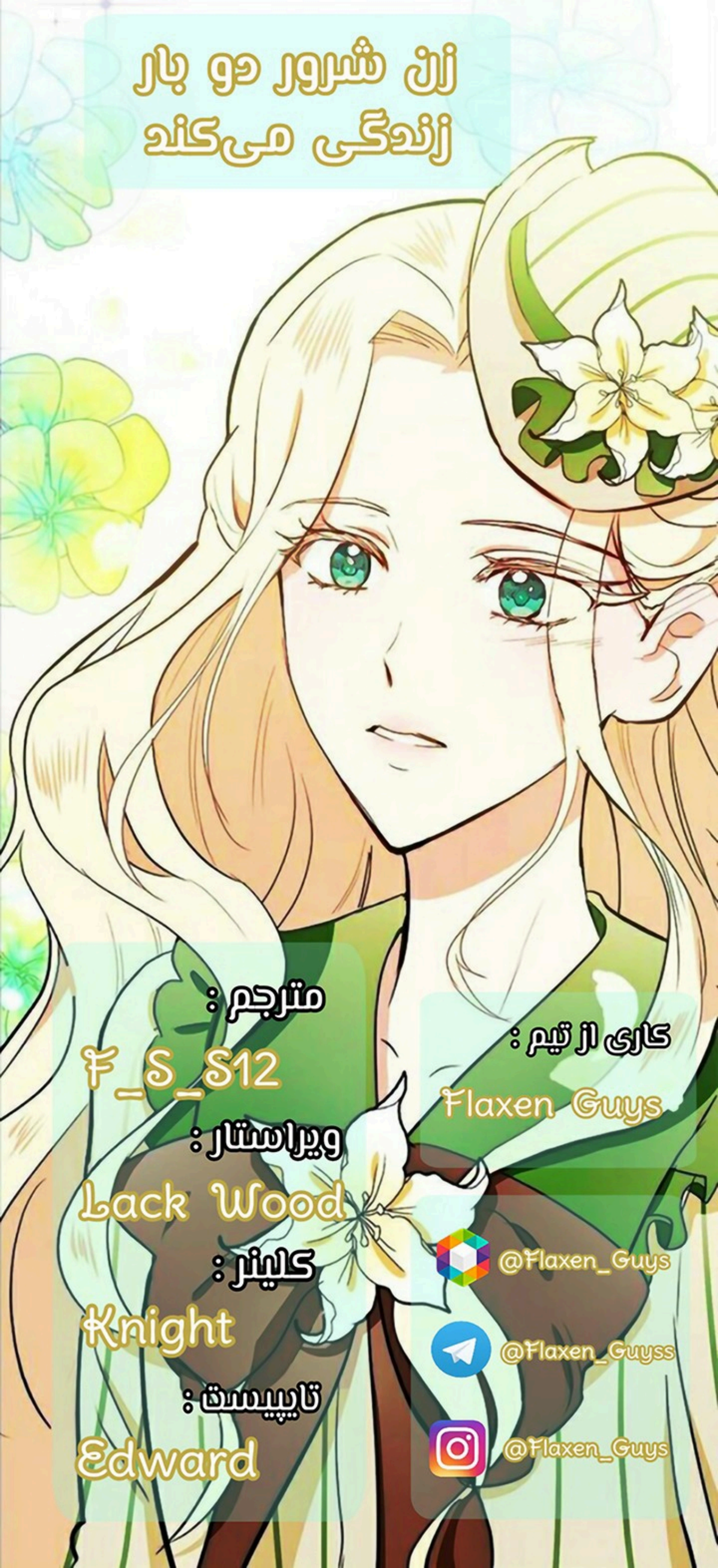

مترجم :

F_S_S12

کاری از تیم :

Flaxen Guys

ویراستار :

Lack Wood

کلینر :

Knight

تایپیست :

Edward

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guyss

@Flaxen_Guys

The Villainess Lives Twice

Peacherry :طراحی | Park Jinwoo, Kim Dalhae :رنگ آمیزی
Han Mint :نویسنده

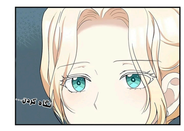
من نارونس.

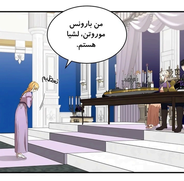
من نارونس، مورونن، لشیا هستم.
بخشید

باعث افتخاره، بانوی من.
با اینکه دیر شده، ولی ازدواجتونو تبریک می‌گم.

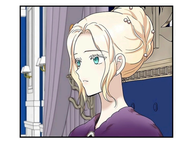

از دیدنت خوشحالم، لشیا.

لئو واقعا پدری به اسم زندگی، بعدی وجود داره امیدوارم تونیا دوباره همدیگه رو ببینید.
لشیا، امیدوارم توی زندگی بعدی تو لشیا باشی.

آرون واقعا...
لشیا چقدر آدمت عوض شده؟

به صندلی دریکه بیان.
بله.

چی؟ چطور؟

مستوم، بانوی من.
چطور می‌خوام این اجازه رو به خودم بدم که کدبانوی بشینم؟

بشین. شکلکی نیست.
لبخند
دوست دارم بیشتر باهات صحبت کنم

مستوم، بانو.
درخشان

من نتونستم توی زندگی قدیم از لشیا محافظت کنم.
قلبم نتونستم آخرین، خراشو بشنوم.
سریک برات اولین و آخرین بار لم نفسه پر به انقلی بر دلش بکنم.

لشیا منو بشنید.
اگر من نتونستم توهمو بشنم.

وقتی پشمانو توی
این دنیا با کریس قسم
خوردم...
که ارثی
محافظت کنم.
من تمام هر چیزی که
ارثی گرفتم و هر چیزی که
نرافائلها داشتم رو
برگردوندم.
این مال، اونه که
امپراتوری یکنه.
واسه توی این
زندگی نتونستم
این کارو بکنم.
رهسازت شوخی‌ها برات
کمکی‌ی که لیا، اخیا نیست.
تو فقا بسمشو.
من فقا باید به اخیا
حریفشو و بندازم تا فشارهام
ایطوری خنثی‌شدن
می‌کردم.
واسه نتونستم چون قلبم
پوچ و قادرت و عقوبت پش
نه اتمامات.
فرمانتان رادیتی برای
انتشار لطیا دلقلقم
تو فالق اعتبارتو بدم
نتونم هست پیشتری رو با
اون سدیرنگ بکنونیم.
واسه...
من آبلی این مقام
و خشتری که بهم نشون
می‌دید نیستم.
این پایگاه قراره فقط
دو سال مال من باشه
و زمان کوتاهیه.

بلند شدن

...
؟

مشکلی پیش اومده؟

نگاه کردن

چیزی نیست.
کارتش

قدم

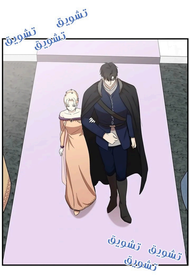
تشویق
تشویق
تشویق
تشویق
تشویق
تشویق
تشویق
تشویق

به طرف خود کشید.
آه...

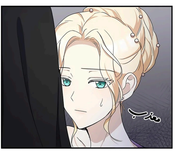
مذاب

تعجب

نگران نباش! اگه اشتباهی پیش اومد، کمکت می‌کنم درستش کنی.
می‌دونی که چقدر توی رقصیدن خوبم. مگه نه؟

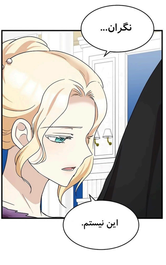
نگران...
این نیستم.

فقط به من نگاه کن.
کاری میکنم زیباترین رقص جهانو انجام بدی.

صدریک...
قدم
قدم
قدم
قدم
قرار بود امروز
بهترین لباسم رو بپوشم
قدم
قدم
قرار بود امروز
بهترین لباسم
با

اون دختره و عالیجناب دارن با هم‌صحبت می‌کنند.
لوبرون
زندون قدیمیه
ولی من اجازه ورود ندارم؟!

بی انصافیه...
این عدالت انصاف نیست!

برگشتن

تپ
آه، بانو لوبری!
تپ
تپ
تپ

تپ
تپ
چقدر سرد برخورد...
ببخشید، فکر نمی‌کنم موضوع مهمی باشد.

تشویق
تشویق
تشویق
تشویق
تشویق

با همه اموال پدرمی کردم و طی باهاش رفتیم.

دیگه می‌تونم برم تا سدریک و لشیا کنار هم باشن.

فشردن

پدری نیست، می‌تونم انواعش برم.

فقط باید اعتماد به نفس داشته باشم.

بلند شدن

گرفتن

تیا، کجا می‌خوای بری؟